

مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین الملل بشر توسط شرکت های فراملی

محمدعلی صلح چی *

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۶)

چکیده

امروزه شرکت های فراملی را می توان یکی از کنشگران مهم عرصه بین المللی تلقی کرد. این ویژگی مهم حقوق بین الملل عمومی معاصر است. رشد شرکت های مزبور و توسعه فعالیت آن ها باعث شده است تا ضرورت تسری قواعد حقوق بین الملل به این موجودیت های نوظهور در عرصه بین المللی مورد بررسی قرار گیرد. هم چنین در این خصوص و به ویژه در پرتو قواعد راجع به مسئولیت بین المللی دولت بررسی این مسأله حائز اهمیت است که اصولاً آیا دولت ها در قبال اقدامات شرکت های فراملی متبوع خود در ورای مرزهای ملی خود دارای مسئولیت می باشند یا خیر؟ هم چنین آیا دولت های میزبان این شرکت ها در قبال اقدامات متخلفانه آن ها مسئولیت دارند یا خیر؟ این نوشتار به بررسی این پرسش ها پرداخته است.

واژگان کلیدی: مسئولیت دولت، نقض حقوق بشر، شرکت های فراملی، حقوق بشر،
عمل متخلفانه

۱. مقدمه

پیدایش و گسترش «شرکت‌های فراملی» به عنوان یکی از «انقلابی‌ترین» و «مناقشه‌انگیزترین» پدیده‌های توسعه اقتصادی جهانی در قرن حاضر تلقی گردیده است (Larison & Skidmore 1993: 251). نظر به نقش فعال و برجسته این شرکت‌ها در اقتصاد جهانی، بسیاری از دولت‌های صنعتی به‌طور صریح یا ضمنی اذعان دارند که یکی از اولویت‌های کلیدی روابط خارجی‌شان این است تا به شرکت‌های خود کمک نمایند که در بازارهای خارجی برنده قراردادها باشند و در خصوص رفع موانع سیاسی و قانونی با دیگر دولت‌ها چانه‌زنی و لابی نمایند (Human Rights and Democracy, 2011: 4). البته منظور از این تلاش‌ها این نیست که دولت‌ها به شرکت‌ها اجازه دهند تا در دولت دیگری به شیوه‌ای عمل نمایند که مقررات قانونی به‌ویژه مقررات حقوق بشر را نقض نمایند. در هر حال یک دولت ممکن است با فعل یا ترک فعل خود، وضعیتی را ایجاد نماید که چنین موارد نقضی توسط یک شرکت رخ دهد. همان‌گونه که در ادامه خواهد آمد، این تسهیل کردن، قلمرو گسترده‌ای دارد و ممکن است از تأمین مالی و ارایه دیگر خدمات به وسیله بنگاه‌های اعتباری صادراتی گرفته تا مذاکره و تصویب موافقت‌نامه‌های دو جانبه سرمایه‌گذاری را شامل شود که منجر به سرمایه‌گذاری فراسرزمینی توسط اشخاص حقوقی متبوع خود گردد. هم‌چنین قصور دولت در جلوگیری از اقدامات اشخاص حقوقی خود، از جمله شرکت‌های دولتی خصوصی شده که ممکن است هم در قلمرو خود و هم خارج از آن مرتکب نقض حقوق بشر شوند، می‌تواند موجب مسئولیت بین‌المللی دولت باشد.

رشد شرکت‌های فراملی^۱ که در بیش از یک دولت فعالیت می‌کنند، مسایل زیادی را در این زمینه مطرح می‌کند که حقوق بین‌الملل چگونه با این موجودیت‌ها برخورد می‌کند؛ دلیل

۱. هیچ تعریف مورد توافق از شرکت‌های فراملی یا حتی پذیرش استفاده از این اصطلاح وجود ندارد. برای بحث در این خصوص بنگرید به:

هانری فورد شارل، ملکی معیری، مهشید، (۱۳۶۰)، فرهنگ شرکت‌های چند ملیتی، تهران، تندر؛ سوئزی پل (و دیگران)، بهداد، سهراب، (۱۳۵۸)، شرکت‌های چند ملیتی، تهران، دانشگاه صنعتی شریف؛ کارستن ندرت، (۱۳۹۱)، «شرکت‌های فراملی به عنوان تابعان راهبر در حقوق بین‌الملل اقتصادی دو نگرش رقیب در آینده»، ترجمه محمد شمساپی، ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، زمستان ۹۱، ص. ۱۱۳.

R. McCorquodale with R. Fairbrother, 'Human Rights and Global Business' in S. Bottomley and D. Kinley (eds), Commercial Law and Human Rights (Aldershot: Ashgate, 2002).

این امر هم، این است که توزیع قدرت و کنترل شرکت‌های فراملی به شیوه‌ای تنظیم می‌شود که مرزهای سرزمینی را به سخره می‌گیرند چرا که یک شرکت مادر به‌عنوان تبعه در یک دولت ثبت می‌شود و شعب فرعی آن اتباع دولت‌های محل فعالیت خود می‌باشند (Mann, 1985: 56). علی‌رغم اسناد، گزارش‌ها و کارهای علمی صورت گرفته، در آن‌ها این ایده پیشنهاد شد که شرکت‌ها باید به‌خاطر موارد نقض حقوق بین‌الملل از مسئولیت حقوقی بین‌المللی مستقیم برخوردار باشند، اما تا کنون در این خصوص هیچ قاعده روشنی در حقوق بین‌الملل بشر وجود ندارد.^۱ دلیل این موضوع هم این است که اصولاً حقوق بین‌الملل بشر، تنها برای حمایت از افراد در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و جبارانه دولت گسترش یافته است و به گونه‌ای نیست که اقدامات شرکت‌ها یا دیگر کنشگران غیردولتی^۲ را قاعده‌مند سازد. بنابراین حقوق بین‌الملل بشر تعهدات حقوقی را برای حمایت از حقوق بشر، تنها بر دولت‌ها تحمیل می‌نماید.^۳

تعهدات حقوق بشری صریحی بر عهده دولت‌ها وجود دارد مبنی بر این که در قلمرو خود محدودیت‌هایی را بر فعالیت‌هایی وضع نمایند که حقوق بشر را نقض می‌نماید.^۴ با وجود این، واقعیت این است که بسیاری از دولت‌ها، به‌ویژه دولت‌های غیرصنعتی، قدرت اقتصادی شرکت‌های فراملی در آن دولت (یعنی دولت میزبان) به گونه‌ای است که دولت میزبان نمی‌تواند یا نمی‌خواهد به‌طور مؤثر فعالیت‌های آن شرکت را کنترل نماید، (Ssenyonjo, 2007: 109-122) یا دولت میزبان با دیگر تعهدات معاهده‌ای بین‌المللی، از قبیل موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری، محدود شده است؛

۱. در این خصوص برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, (2003) UN Doc E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2 and Commentary on the Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, (2003) UN Doc E/CN.4/Sub.2/2003/38/Rev.2; OECD, 'The OECD Guidelines for Multinational Enterprises', OECD Declaration and Decisions on International Investment and Multinational Enterprises: Basic Texts (DAFFE/IME, 2000); A. Clapham, Human Rights Obligations of Non-State Actors (Oxford: OUP, 2006); P. Alston (ed), Non-State Actors and Human Rights (Oxford: OUP, 2005); and S. Rees and S. Wright (eds), Human Rights, Corporate Responsibility: A Dialogue (Sidney: Pluto Press, 2000).

2. Non-state actors

۳. در این خصوص به‌طور کلی بنگرید به:

R.Mc Corquodale and R. La Forgia, 'Taking on the Blindfolds: Torture by Non-State Actors' (2001) 1 Human Rights Law Review 189.

۴. برای مثال می‌توان به ماده ۲ مشترک میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ اشاره کرد. به موجب ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: ۱- دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی از قبیل نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشاء ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا دیگر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند. بنگرید به: لیون الکساندر سیسیلیانوس، (۱۹۸۶)، «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی»، ترجمه علی هنجی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶، سال ۸۶، ص. ۲۲۵.

به عبارت دیگر، در حالی که دولت میزبان اگر اقدامی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر افراد توسط شرکت‌های فراملی اتخاذ ننماید، می‌توان گفت تعهدات حقوق بشری خود را نقض کرده است و در عین حال شرکت فراملی پاسخ‌گو نخواهد بود و کسانی که حقوق انسانی‌شان نقض شده هیچ راهکار جبران مؤثری نخواهند داشت. در مقابل، دولتی که مقر شرکت فراملی در آن قرار دارد و شرکت در آن جا به ثبت رسیده یا به نحو دیگری مرکز اصلی شرکت در آن جا می‌باشد (دولت محل ثبت) معمولاً یک دولت صنعتی است^۱ که اگر بخواهد دارای منابع، قدرت و منافع حقوقی برای قاعده‌مندسازی فعالیت‌های فراسرزمینی آن شرکت می‌باشد.

این مسأله که فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت‌های فراملی که حقوق بین‌الملل بشر را نقض می‌نمایند تا چه اندازه موجد مسئولیت دولت محل ثبت شرکت می‌شوند، کم‌تر مورد بحث قرار گرفته شده است (Jaegers, 2002: 174). در حقیقت مقررات ناظر بر مسئولیت دولت روش‌های جالبی را برای بررسی موارد نقض حقوق بشر در اثر فعالیت‌های شرکت‌ها ارائه می‌نماید (Jaegers, 2002: 175).^۲ هدف این نوشتار بررسی این مسأله است که این دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بشر در رابطه با برخی از موارد نقض فراسرزمینی حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی تبعه خود دارای مسئولیت می‌باشند. تشریح و شفاف‌سازی قانون در این خصوص می‌تواند انگیزه‌ای را برای دولت محل اقامت به منظور تنظیم فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت‌هایی که حقوق بشر را نقض می‌نمایند فراهم سازد. هم‌چنین می‌تواند به توسعه اراده سیاسی در چارچوب سازمان ملل متحد یا دیگر مراجع بین‌المللی برای گسترش یک چارچوب حقوقی بین‌المللی پاسخ‌گویی برای این شرکت‌ها کمک نماید. برای نمونه رویه قضایی دیوان حقوق بشر اروپایی که مسئولیت غیر مستقیم یا جانشینی را بر دولت‌های عضو به‌خاطر اقدامات کشگران غیردولتی که مأموریت‌های دولتی به آن‌ها تفویض شده تحمیل می‌کند، دولت‌های عضو را در تنظیم و قاعده‌مندسازی عملکرد کشگران غیردولتی ذینفع می‌سازد (Reinisch, 2005: 37).^۳ چنین توسعه و تحولی به همه دولت‌ها در

۱. حدود ۷۱ شرکت از ۱۰۰ شرکت از نظر جغرافیایی در تعداد کمی از دولت‌های صنعتی متمرکز شده‌اند (آمریکا، فرانسه، آلمان، ژاپن و انگلستان)، ۵۰ تا از این شرکت‌ها در اتحادیه اروپا و تنها چهار شرکت در دولت‌های غیرصنعتی می‌باشد. بزرگترین شرکت‌های فراملی در ایالت غیر صنعتی هنگ‌کنگ مستقر شده‌اند. بنگرید به:

UNCTAD World Investment Report, (2005): Transnational Corporations and the Internationalization of R&D (New York and Geneva: United Nations, 2006) 1517.

2. See also: M. Somarajah, (2001), *Linking State Responsibility for Certain Harms Caused by Corporate Nationals Abroad to Civil Recourse in the Legal Systems of Home States* in C. Scott (ed), *Torture as Tort* Oxford: Hart, 491-512.

۳. هم‌چنین بنگرید به: هرمداس باوند، داود، (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، دانشگاه علامه طباطبائی، ص. ۴۳.

اجرای تعهدات حقوقی ناشی از حقوق بین‌الملل بشر کمک می‌کند و آن‌ها را به حمایت بهتر از حقوق بشر برای همه مردم قادر می‌سازد.

۲. مسئولیت دولت و حقوق بین‌الملل بشر

به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یک دولت دارای مسئولیت بین‌المللی برای نقض تعهد حقوقی بین‌المللی است در صورتی که عمل مورد بحث قابل انتساب به آن دولت باشد.^۱ این موضوع در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی پیش‌بینی شده است. بنابراین اگر فعل یا ترک فعلی را بتوان به دولتی منتسب کرد که منجر به نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی (به موجب حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای) شده باشد، آن گاه می‌توان گفت که آن دولت به موجب حقوق بین‌الملل مسئولیت دارد. به طور کلی پذیرفته شده است که این قواعد در مورد حقوق بین‌الملل بشر قابل اعمال می‌باشند. این موضوع در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل و تفاسیر آن تصریح شده است.^۲ در حقیقت ارکان معاهده‌ای حقوق بشر، مثل کمیته حقوق بشر و کمیته منع شکنجه، حقوق عام مسئولیت دولت را در مورد جنبه‌های اساسی موضوعات حقوق بشری که نزد آن‌ها مطرح شده، به طور صریح^۳ و گاهی نیز ضمنی^۴ اعمال کرده‌اند. بر اساس این قواعد، دولت در قبال فعل یا ترک فعل قوای سه‌گانه خود و هم‌چنین مسئولان از جمله پلیس، مقامات نظامی، مهاجرتی و امثال آن دارای

1. See, for example, *Caire Claim (France Mexico)* (1929) 5 RIAA 516.

2. ILC Commentaries, See also B. Simma and D. Pulkowski, (2006), "Of Planets and the Universe: Self-Contained Regimes in International Law", 17 EJIL 488 at 525.

۳. برای نمونه دیوان آمریکایی حقوق بشر در پرونده *AwasTingni v Nicaragua, I-ACtHR, IHRR* (2001) [153] نظر داد که «بر طبق قواعد حقوقی مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولت و حقوق بین‌الملل بشر قابل اعمال، فعل‌ها یا ترک فعل‌های مقامات عمومی، منصرف از موقعیت سلسله مراتب آن‌ها، به دولتی قابل انتساب است که تحت شرایط پیش‌بینی شده در کنوانسیون آمریکایی [حقوق بشر] دارای مسئولیت می‌باشد».

۴. دیوان اروپایی حقوق بشر همواره اصول تصریح شده در مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت را بدون ارجاع صریح به مواد طرح، اعمال کرده است. بنگرید به:

R. Lawson, 'Out of Control. State Responsibility and Human Rights: Will the ILC's Definition of the 'Act of State' Meet the Challenges of the 21st Century?' in M. Castermans, F. van Hoof and J. Smith (eds), *The Role of the Nation-State in the 21st Century*, 115.

ذکر این نکته لازم است که ارکان معاهده‌ای حقوق بشر در توسعه رویه قضایی در این خصوص همواره به طور صریح بین مفاهیم انتساب، گستره تعهدات دولت و مسئولیت دولت تمایز قابل نشده‌اند. بنگرید به:

J. Cerone, (2006), 'Out of Bounds? Considering the Reach of International Human Rights Law' Center for Human Rights and Global Justice Working Paper Number 5, New York School of Law, 26 at http://www.nyuhr.org/research_publications.html

مسئولیت می‌باشد؛ حتی اگر این اعمال خارج از حوزه صلاحیتی و اختیارات مقامات دولتی و ارکان مربوطه باشد، باز دولت مسئولیت دارد. از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری این امر یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است (ICJ Reports 1999: 62) بنابراین، دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌المللی بشر مسئولیت دارند.

۲-۱. مسئولیت بین‌المللی دولت بر مبنای تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بشر

تعهدات دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل بشر از حیث سرزمینی محدود نمی‌باشند. معاهدات اصلی حقوق بشری به طور صریح تعهدات دولت‌ها را هم به افراد ساکن در قلمرو یک دولت و هم افرادی که تابع صلاحیت یک دولت دیگری هستند تسری داده‌اند.^۱ کمیسیون امریکایی حقوق بشر در تفکیک سرزمین از صلاحیت بیان داشته است:

اصطلاح صلاحیت در بند ۱ ماده ۱ محدود به قلمرو ملی نیست. کمیسیون بر این عقیده است که دولت عضو کنوانسیون آمریکایی [حقوق بشر] ممکن است تحت شرایط معینی برای فعل و ترک فعل مأموران خود که آثاری خارج از قلمرو آن دولت دارند یا خارج از قلمرو آن انجام می‌شوند، مسئولیت دارند (Inter-American Court, 1997: 17). دیوان حقوق بشر اروپایی نیز اظهارات مشابهی را داشته است.^۲ به علاوه به موجب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دولت‌ها می‌توانند تعهدات خود به موجب این کنوانسیون را به مستعمرات یا دیگر سرزمین‌های ماورای بحار خود تعمیم دهند؛ هم چنین کمیته حقوق بشر دیدگاه مشابهی را اعمال کرده است. اگر چه بند ۱ ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی هم به قلمرو و هم به صلاحیت اشاره دارد، اما کمیته حقوق بشر تصریح کرده است که تعهد دولت هم به افراد واقع در قلمرو یک دولت و هم به افرادی که در قلمرو آن دولت نیستند بلکه تابع صلاحیت آن می‌باشند، تسری می‌یابد.^۳ بنابراین، چنین برداشتی از صلاحیت می‌تواند منجر به تعهدات حقوق بشری

۱. برای نمونه می‌توان به بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹ و ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) اشاره کرد. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها شرط صلاحیتی صریحی ندارند، اگر چه پذیرفته شده است که این اسناد در مورد صلاحیت دولت‌ها نیز اعمال می‌شوند. بنگرید به: the Committee on Economic Social and Cultural Rights (CESCR) General Comment No 8, The Relationship between Economic Sanctions and Respect for Economic, Social and Cultural Rights, UN Doc E/C.12/1997/8, 12 December 1997 at [7].

2. Drozd and Janousek v France and Spain (App no 12747/8) (1992)14 EHRR 745 at [91].

3. HRC, General Comment No 31(80) Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, UN Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add.13, 26 May 2004 at [3].

فراسرزمینی برای یک دولت - در صورت احراز صلاحیت - بشود. بر همین اساس کمیته حقوق بشر برخی از دولت‌ها را ناقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانسته است و آن‌ها را از نظر حقوق بین‌الملل مسئول دانست و این در حالی بود که نیروهای امنیتی یک دولت فردی را خارج از قلمرو آن دولت دستگیر، بازداشت و شکنجه کرده بودند^۱ و یا دولت گذرنامه تبعه خود را از یکی از کنسولگری‌هایش در دولت دیگری ضبط کرده بود.^۲

کمیته حقوق بشر این موضع اسرائیل را که میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ورای قلمروش، یعنی کرانه باختری و در غزه اعمال نمی‌شود، مورد بررسی قرار داد. کمیته در این خصوص نظریه قبلی خود را در دیدگاه‌های کلی، در مورد گزارش‌های قبلی اسرائیل بیان کرده بود تکرار می‌کند و معتقد است که قابلیت اعمال رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه در محاصره مسلحانه مانع اجرای میثاق، از جمله ماده ۴ نمی‌شود. هم‌چنین از نظر کمیته قابلیت اعمال رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه مانع پاسخگویی دولت‌های طرف میثاق به‌موجب بند ۱ ماده ۲ میثاق به‌خاطر اقدامات مقاماتشان در خارج از قلمروش، از جمله در سرزمین‌های اشغالی، نیست؛ بنابراین کمیته مجدداً تأکید می‌نماید که در شرایط فعلی، مقررات میثاق به نفع مردم سرزمین‌های اشغالی اعمال می‌شوند چرا که تمام اعمال مقامات یا نمایندگان دولت طرف میثاق در این سرزمین‌ها که به حقوق مندرج در میثاق لطمه وارد می‌کنند و مشمول مسئولیت اسرائیل به‌موجب اصول حقوق بین‌الملل می‌شوند. در نهایت کمیته بیان می‌دارد که اسرائیل باید موضع خود را مورد بررسی مجدد قرار دهد و در گزارش‌های دوره‌ای بعدی خود، تمام اطلاعات مقتضی را در خصوص اجرای این میثاق در سرزمین‌های اشغالی که ناشی از اقداماتش در این سرزمین‌ها می‌باشد درج نماید (Human Rights Committee, 2003: 11). هم‌چنین از نظر کمیته حقوق بشر، یک کشور در رابطه با نیروهای خود که به‌عنوان نیروهای حافظ صلح در کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند، دارای تعهداتی می‌باشد (Human Rights Committee, 1998: 14). این اصل در نظریه کلی شماره ۳۱ کمیته حقوق بشر تکرار شده است که بر اساس آن:

یک دولت طرف باید حقوق مندرج در این میثاق را در مورد هر کسی که تحت قدرت و کنترل مؤثر آن دولت طرف هستند، ولو این که در قلمرو آن دولت طرف نیستند منصرف از شرایطی که در آن چنین قدرت یا کنترل مؤثری به‌دست آمده، رعایت و تضمین نماید.^۳

1. Lo.péz Burgos v Uruguay (Communication No. 52/79), views 29 July 1981 at [12.3].

2. Montero v Uruguay, HRC (Communication 106/81), HRC views 31 July 1983.

3. HRC, General Comment No. 31(80) Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, at 10.

همین طور، کمیسیون آمریکایی حقوق بشر نظر داده است که اگر اعمال کنترل نسبت به افراد وجود دارد، کافی است دریابیم که موضوع در صلاحیت یک دولت قرار دارد، اعم از این که کنترل مؤثر نسبت به آن قلمرو مورد بحث، وجود دارد یا نه.^۱ بنابراین، رویه ارکان نظارتی معاهدات حقوق بشری حاکی از آن است که اشخاص می توانند تحت صلاحیت دولتی باشند که فراسرزمینی عمل می کند. دولت را می توان به خاطر اقداماتی که فراسرزمینی انجام داده است، ناقض تعهدات خود به موجب معاهدات حقوق بشری دانست در رابطه با هر کسی که نسبت به آن ها کنترل یا اقتدار مؤثر داشته است و هم چنین افراد واقع در منطقه ای که نسبت به آن دولت، کنترل کلی مؤثر اعمال می کند. دیوان بین المللی دادگستری نیز در رویه خود - مثلاً در نظریه مشورتی مربوط به دیوار حایل^۲ و اختلاف بین کنگو و اوگاندا^۳ - نیز این دیدگاه را پذیرفته است.

۲-۲. مسئولیت بین المللی دولت در قبال اقدامات فراسرزمینی شرکت های فراملی

حقوق عام مسئولیت بین المللی دولت امکان انتساب مسئولیت بین المللی به یک دولت را به خاطر اعمال اشخاص حقوقی اش که مغایر با حقوق بین الملل باشد در دو وضعیت پیش بینی می نماید: نخست، جایی که دولتی به یک شرکت اختیار می دهد تا اعمال اقتدار عمومی (یا حاکمیتی) را اجرا نماید؛ دوم، در جایی که شرکت به دستور، یا تحت هدایت یا کنترل یک دولت عمل می کند؛ به علاوه در جایی که دولتی از طریق کمک کردن به فعالیت شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه بین المللی ارتكابی توسط دولت دیگر یا خود آن شرکت معاونت دارد، آن گاه می توان گفت دولت نیز از منظر حقوق بین الملل مسئولیت دارد.

در همه این موارد چنین اعمالی به دولت قابل انتساب می باشند، حتی در جایی که اعمال مزبور خارج از قلمرو آن دولت ارتکاب یابند. در ادامه به بررسی این وضعیت ها پرداخته می شود:

1. R. Wilde, 'Legal, (2005), "Black Hole"?, Extraterritorial State Action and International Treaty Law on Civil and Political Rights 26 Michigan JIL 739, 802; and D. Cassel, Extraterritorial Application of Inter-American Human Rights Instruments' in F. Coomans and M. Kamminga (eds), Extraterritorial Application of Human Rights Treaties (Antwerp: Intersentia, 2004) 175 & 181, 175.

2. Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I. C. J. Reports 2004, p. 136, at 181, para. 112.

3. Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005, p. 168, at p. 64, para. 168.

۱) اعمال اقتدار حکومتی به وسیله شرکت‌های فراملی

اصل بر این است که بر اساس حقوق بین‌الملل عام، رفتار یک شرکت قابل انتساب به دولت نیست، حتی وقتی که شرکت به‌طور کلی تحت تملک دولت است یا دولت در آن نفع کنترل کننده دارد. در عین حال این قاعده وجود داشته است که اقدامات موجودیت‌های خصوصی قابل انتساب به دولت هستند در جایی که آن‌ها کارکردهای عمومی یا حکومتی را اعمال می‌نمایند. بر اساس طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل:

رفتار شخص یا موجودیتی که رکن دولت نیست... اما قانون آن دولت به آن اختیار داده است تا اعمال اقتدار حکومتی را اجرا نماید عمل آن شرکت به عنوان عمل دولت به موجب حقوق بین‌الملل تلقی خواهد شد، مشروط بر آن که آن شخص یا موجودیت در آن موقعیت خاص در آن سمت اقدام می‌نماید.

بنابراین برای آن که بتوان عمل یا رفتار شرکت را به دولت منتسب کرد رفتار یا عمل آن شرکت باید مربوط به اقدام حکومتی باشد و نه اقدام شخصی یا تجاری. این رویکرد با تحولات صورت گرفته در خصوص مصونیت دولت‌ها نیز سازگاری دارد. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت فعالیت‌های فراسرزمینی اشخاص حقوقی که اقتدار حکومتی به آن‌ها اختیار داده شده، قابل انتساب به دولت می‌باشد. اگر اقدامات چنین شرکتی نقض حقوق بین‌الملل بشر باشد، دولت دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد حتی در جایی که شرکت از اختیار داده شده تجاوز نماید.

۲) قابلیت انتساب عمل شرکت فراملی به دولت بر مبنای فرمان، هدایت یا کنترل

در جایی که شرکتی اعمال اقتدار حکومتی را اجرا نمی‌کند یا اثبات این امر امکان پذیر نیست، در صورتی اقداماتش قابل انتساب به دولت می‌باشد که به دستور، یا تحت هدایت و کنترل آن دولت عمل کند. رفتار شرکت‌ها در این موارد تنها در صورتی به دولت قابل انتساب است که اقدام یا رفتار مورد بحث مستقیماً بخشی از دستور آن دولت یا کنترل آن بوده است. در مواردی که یک شرکت تحت کنترل دولت متبوع یا اقامتگاه خود عمل می‌کند و دستورات خاصی را نادیده گرفته است، اقداماتش هم‌چنان قابل انتساب به آن دولت خواهند بود.

این که آیا در حقیقت رفتار به دولت قابل انتساب می‌باشد یا نه به میزان کنترل دولت بر فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت بستگی دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری معیاری را برای کنترل نسبت به عاملان غیردولتی که به صورت فراسرزمینی عمل می‌کنند، در پرونده نیکاراگوئه علیه

آمریکا احراز کرده است. در این پرونده آمریکا، از جمله، شورشیان (یا نیروهای کنترا) را از نظر مالی تأمین می‌کرد، به نیروهای آن آموزش می‌داد و آن‌ها را تجهیز می‌نمود. این نیروها گروه مسلحی بودند که با دولت نیکاراگوئه مخالف بودند. دیوان تصمیم گرفت در حالی که ایالات متحد آمریکا را می‌توان به خاطر اعمال خاصی از قبیل تأمین مالی، آموزش و امثال آن مسئول دانست و بنابراین برخی از اقدامات نیروهای کنترا، قابل انتساب به آمریکا می‌باشند؛ اما ادله کافی وجود نداشت برای احراز این که آمریکا میزانی از کنترل را در همه موارد اعمال می‌کرد تا بتوان گفت نیروهای کنترا از طرف آمریکا عمل می‌کردند و بنابراین بتوان گفت آمریکا ارتکاب اقدامات خلاف حقوق بین‌الملل بشر را آن گونه که نیکاراگوئه ادعا می‌کرد، دستور داده یا هدایت کرده است.^۱ در جایی که شرکتی به دستور دولت محل ثبت شرکت عمل می‌کند، لازم نیست که این اقدامات، اعمال حکومتی باشند. هم‌چنین می‌توان به اقدامات شرکت‌های خصوصی در زندان ابوغریب یا جاهای دیگر اشاره کرد.

در مجموع با استفاده روز افزون از شرکت‌ها توسط دولت‌ها در فعالیتهای نظامی فراسرزمینی، و هم‌چنین در تجارت و حوزه‌های دیگر، این امکان وجود دارد که اعمال این شرکت‌ها قابل انتساب به دولت باشد. در جایی که چنین اعمالی نقض حقوق بین‌الملل بشر باشند، دولت مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت، حتی در مواردی که شرکت دستورات را نقض می‌کند.

(۳) مسئولیت دولت در قبال عمل شرکت فراملی از حیث معاونت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی

به موجب ماده ۱۶ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل:

دولتی که به دولت دیگر در ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک می‌کند از نظر حقوق بین‌الملل دارای مسئولیت می‌باشد اگر:

(۱) دولت با علم به شرایط عمل متخلفانه بین‌المللی این کار را انجام می‌دهد؛

(۲) اگر آن عمل از نظر بین‌المللی توسط آن دولت ارتکاب می‌یافت، متخلفانه می‌بود.

از نظر کمیسیون حقوق بین‌الملل، نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از: جایی که دولت به خاطر کمک و مساعدت، از جمله «تأمین عالمانه تسهیلات یا تأمین مالی برای انجام عمل مورد بحث... که ربودن اشخاص را در سرزمین خارجی تسهیل می‌نماید، یا کمک به تخریب

1. *Nicaragua v. United States of America*, ICJ Reports, 1984- 1991.

مال متعلق به اتباع دولت ثالث» مسئول خواهد بود. در هر مورد دولت کمک‌کننده باید واقف باشد که به ارتکاب یک عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت می‌نماید، دولت مزبور باید چنین کمک یا مساعدتی را به منظور تسهیل انجام عمل مورد بحث ارایه نماید و آن عمل باید از نظر حقوق بین‌الملل عمل متخلفانه باشد اگر توسط دولت کمک‌کننده انجام می‌شد.

هر چند مواد طرح کمیسیون تنها به مسئولیت دولت‌ها می‌پردازند اما امکان این که دیگر عاملان به مسئولیت استناد نمایند یا متحمل مسئولیت شوند، را رد نمی‌کند. بنابراین دولت محل ثبت شرکت را می‌توان معاون در فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت‌ها نیز دانست. برای این اساس می‌توان گفت: هرگاه دولت محل ثبت شرکت به مشارکت در ارتکاب اعمالی کمک یا مساعدت نماید، حداقل در جایی که این کمک و مساعدت نقش موثری در ارتکاب آن عمل داشته باشد، و در صورتی که ارتکاب آن عمل توسط خود دولت محل ثبت شرکت عمل متخلفانه می‌بود، آن دولت دارای مسئولیت بین‌المللی می‌باشد.

۴) مسئولیت بین‌المللی دولت محل ثبت و ارکان فرعی خارجی شرکت‌های فراملی

بنا بر آن چه که تاکنون گفته شد واضح است که دولت محل اقامت ممکن است در قبال اقدامات فراسرزمینی شرکت ملی خود که حقوق انسانی افراد را نقض می‌کند مسئول باشد البته در صورتی که شرکت مزبور اقتدار حکومتی را اعمال می‌نماید یا تحت دستورات، کنترل یا هدایت دولت محل ثبت شرکت عمل می‌کند. به علاوه یک دولت از نظر بین‌المللی به خاطر کمک و مساعدت به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی به وسیله دولت میزبان، در رابطه با فعالیت شرکت ملی دولت پیشین یا شعب فرعی آن یا در جایی که دولت محل ثبت شرکت عالم‌آدر ارتکاب یک جنایت بین‌المللی در خارج توسط شرکت ملی یا شعب آن معاونت داشته، مسئول می‌باشد. در عین حال، از آن جا که شرکت‌ها عموماً عملیات فراسرزمینی را از طریق یک شعبه فرعی که در دولتی غیر از دولت محل ثبت شرکت (مثلاً دولت میزبان) به ثبت رسیده، انجام می‌دهند، این سؤال قابل طرح است که آیا منصرف از بحث معاونت، دولت محل ثبت شرکت را می‌توان برای اعمال شعبه فرعی خارجی شرکت ملی که حقوق بشر را در دولت دیگر نقض می‌کند، دارای مسئولیت بین‌المللی دانست یا نه؟ دولت محل ثبت شرکت ممکن است دارای تعهد فراسرزمینی به حمایت از حقوق بشر باشد تا آن حد که باید مراقبت و سعی کافی را در رابطه با اقدامات این شعب فرعی خارجی اعمال نماید.

۵) اقدامات شعب فرعی خارجی و حقوق بین‌الملل عام

شرکت‌های مادر به دلایل عملی و اقتصادی متعددی ترجیح می‌دهند تا شعبه‌هایی را تشکیل دهند. از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده «بارسلونا تراکشن»، شعبه فرعی یک موجودیت حقوقی جداگانه و مستقل از شرکت مادر است. از منظر حقوق بین‌الملل شرکت مادر و شعبه فرعی هر کدام تابع صلاحیت انحصاری دولت‌های خاصی می‌باشند.^۱ بازبینی این تصمیم، هم در پرتو زمینه خاص این دعوا و هم تحولات بعدی صورت گرفته در خصوص شرکت‌های فراملی ضروری است.

رویه دولت‌ها بازتاب رویکردهای متعددی در خصوص تمایل شرکت‌ها به منتفع شدن از ساختار حقوقی خود برای اجتناب از قواعد دولتی می‌باشند. برخی از دادگاه‌ها در رویه خود به عملکرد شرکت‌های فراملی در کل پرداختند و نه صرفاً بخش‌های جداگانه از نظر حقوق داخلی، تا به این طریق یک شرکت مادر خارجی را تحت صلاحیت یک دولت قرار دهند. برای مثال، ایالات متحده آمریکا تئوری‌های بسیار گسترده‌ای را در مورد وحدت یا ادغام شرکت‌ها توسعه داده‌اند؛ همین‌طور رویکرد دیوان دادگستری اروپایی در پرونده‌های متعارض عبارت بوده است از: «تحقیق در مورد شاخص‌های ساختار شرکت‌های گروهی و واقعیت روابط درون گروه [در واقع میان شعب فرعی تشکیل دهنده شرکت]». ^۲ لازم به ذکر است که دادگاه‌های ملی برخی از دولت‌ها به بررسی گروه شرکت‌ها به‌طور کلی و تحمیل مسئولیت بر شرکت مادر برای اقدامات شرکت‌های فرعی خارجی پرداخته‌اند که نقض حقوق بین‌الملل بشر می‌باشند.^۳ به نظر می‌رسد که این معیار در جایی اعمال می‌شود که کنترل مدیریتی مرکزی مؤثری بر شعبه فرعی به وسیله شرکت مادر در درون همان موجودیت شرکت فراملی وجود دارد.

۶) مسئول دانستن شرکت‌های فراملی توسط دولت‌های میزبان

اصولاً، جز در موارد استثنایی، حقوق بین‌الملل تنها دولت‌ها را به‌عنوان دارندگان حق و تکلیف می‌پذیرد (Cassese, 2005: 71).^۴ این امر بدین معنا نیست که عاملان و کنشگران خصوصی همانند

1. Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, Judgment, I.C.J. Reports 1970, p. 3, at p 23.

2. ECJ, Case C-281/02, Owusu v. Jackson, (2005), Trading as "Villa Holidays Bal-Inn Villas", and Others, Judgment of 01/03/2005, I.L.Pr. 25.

۳. در این خصوص بنگرید به:

Marion Weschka, (2006), Human Rights and Multinational Enterprises: How Can Multinational Enterprises Be Held Responsible for Human Rights Violations Committed Abroad?, ZaoRV 66, 625- 661.

۴. هم‌چنین بنگرید به: ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۲۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ص. ۱۰.

شرکت‌های فراملی، می‌توانند حقوق بشر را نقض نمایند بی آن‌که پاسخگو باشند. در حقیقت می‌توان گفت که عاملان و کنشگران خصوصی، مثل شرکت‌های فراملی، به‌صورت مستقیم برای نقض حقوق بشر به‌طور مستقیم مسئول نمی‌باشند (Joseph, 1999: 175-176). مسئولیت در قبال عدم ارائه حمایت مقتضی در نقض حقوق بشر به‌وسیله عاملان خصوصی همواره متوجه دولت‌هاست. (Muchlinski, 2001: 42). به عبارت دقیق‌تر حقوق بین‌الملل دولت را مسئول می‌داند و ناقض اصلی و مستقیم حقوق بشر، یعنی شرکت فراملی، را مبرا می‌سازد. بنابراین، تکلیف اولیه به‌موجب حقوق بین‌الملل برای تضمین این‌که شرکت‌های فراملی حقوق بشر را نقض نمی‌کنند، متوجه دولتی می‌سازد که در آن شرکت‌های فراملی فعالیت می‌کنند و نقض حقوق بشر صورت می‌گیرد. این دولت، همان دولت میزبان است (Joseph, 1999: 176).

دولت میزبان باید از رهگذر قوانین داخلی و سازوکارهای اجرای قهری قوانین خود، از حقوق انسانی افراد در مقابل اقدامات شرکت‌های فراملی حمایت نماید؛ به عبارت واضح‌تر، دولت باید در مقابل نقض حقوق بشر توسط هر عنصری از اجتماع، اعم از خصوصی یا عمومی، حمایت نماید. با وجود این، به‌خاطر قدرت زیاد اقتصادی شرکت‌های فراملی و امکان جابه‌جایی بین‌المللی این شرکت‌ها و هم‌چنین وابستگی بسیاری از کشورها به سرمایه‌گذاری مستقیم بین‌المللی جای شگفتی نیست که اگر دولت‌های میزبان، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، گاهی اقدام رسمی و مؤثر را در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی اتخاذ نمی‌نمایند. حتی اگر دولتی بخواهد اقدام مقتضی را اتخاذ نماید، شرکت‌های فراملی می‌توانند با جابه‌جایی سرمایه خود به کشور دیگری نسبت به اقدامات دولت میزبان واکنش نشان دهند. حتی قبل از این‌که دولت میزبان قوانین ملی خود در حمایت از حقوق بشر را نسبت به این شرکت‌ها به اجرا گذارد، شرکت‌های مزبور تهدید به ترک آن کشور می‌نمایند و در نتیجه کشور میزبان با خطر از دست دادن سرمایه‌گذاری خارجی، مشاغل و فناوری و دانش روبه‌رو می‌شود (Joseph, 1999: 176). بنابراین امکان برقراری تعادل بین فعالیت شرکت‌های فراملی و رعایت حقوق بشر توسط آن‌ها در دولت میزبان تا حدود زیادی سخت است؛ در نتیجه، به‌خاطر این عدم توازن نسبی قدرت و وابستگی کشورهای در حال توسعه به حضور شرکت‌های فراملی، نمی‌توان صرفاً به تأثیر مقررات حقوق داخلی کشور میزبان راجع به حقوق بشر استناد کرد؛ بنابراین باید به دنبال روش دیگری برای حمایت از حقوق بشر در مقابل اقدام متخلفانه شرکت‌های فراملی بود.

۷) مسئول دانستن دولت‌های متبوع شرکت‌های فراملی

حدود ۹۰ درصد شرکت‌های فراملی دارای شرکت‌های مادر در کشورهای توسعه یافته می‌باشند (Fowler, 1995: 2) بنابراین، می‌توان انتظار داشت که راه معقول‌تر برای مسئول دانستن شرکت‌های فراملی به خاطر نقض حقوق بشر ارتكابی در کشورهای در حال توسعه طرح دعوا علیه آن‌ها در کشورهای متبوع و منشأ این شرکت‌ها می‌باشد. چنین روشی مشکلات مطرح شده در خصوص کشورهای میزبان را ندارد چرا که کشورهای متبوع این شرکت‌ها معمولاً معیارهای بالاتری در مورد حقوق بشر، نظام حقوقی مؤثرتر و سالم‌تر، منابع انسانی و دانش لازم را برای تحقیق مؤثر و محاکمه شرکت‌های فراملی دارند (Joseph, 1999: 177-178). به علاوه، حقوق بین‌الملل حق دولت متبوع شرکت‌های فراملی را در خصوص اعمال صلاحیت فراسرزمینی نسبت به اعمال متخلفانه ارتكابی اتباع خود، در خارج مورد پذیرش قرار داده است (Joseph, 1999: 177). با این حال نباید از نظر دور داشت که رسیدگی به اعمال متخلفانه شرکت‌های فراملی توسط دولت متبوع با دشواری‌هایی روبه‌رو است. در ادامه به برخی از این دشواری‌ها اشاره می‌شود.

۳. موانع صلاحیتی دولت متبوع شرکت فراملی در رسیدگی به نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی

مشکل اصلی دولت متبوع در اعمال صلاحیت «حجاب شخصیت حقوقی»^۱ است. اگرچه از دیدگاه عوام، شرکت‌های فراملی به عنوان یک موجودیت واحد در نظر گرفته می‌شوند، اما از نظر حقوقی، در زیر طرح یک شرکت معمولی، ساختارهای پیچیده‌ای از موجودیت‌های به هم وابسته، پنهان شده است. برای مثال، شرکت «بریتیش پترولیوم» متشکل از بیش از هزار شرکت جداگانه به هم وابسته است که تحت یک کنترل مشترک فعالیت می‌کنند (Blumberg, 2002: 493-494). این ارکان متفاوت شرکت ممکن است تابع کنترل مشترکی باشند اما از نظر حقوقی موجودیت‌های

1. Corporate Veil

این اصطلاح را دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشن به کار برد. بنگرید به:

Case concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, Judgment of 05/02/1970, ICJ-Reports 1970, at 39.

در این خصوص بنگرید به: لاجوردی، عرفان، (۱۳۹۰)، حقوق شرکت‌های فراملی، تهران، نشر میزان؛ محسن محبی و یاسر ضیائی، (۱۳۹۲)، «صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل در پرتو خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و نهم، شماره ۴۷، ص. ۷-۳۰.

مستقلی محسوب می‌شوند؛ بنابراین، در مورد شخصیت حقوقی آن‌ها، شرکت‌های فرعی که در خارج فعالیت می‌کنند از شرکت‌های مادر مستقل می‌باشند (Blumberg, 2002: 495). این شرکت‌ها تابع نظم حقوقی دولت میزبان می‌باشند و تابعیت دولت میزبان را دارند،^۱ چرا که اصل سرزمینی بودن به این معناست که هر موجودیت مستقل متعلق به یک شرکت فراملی تابع قوانین دولتی است که در آن فعالیت خود را ایجاد کرده است. بنابراین، شرط تابعیت برای اعمال صلاحیت فراسرزمینی توسط دولتی که در آن ثبت شده‌اند، وجود ندارد و رسیدگی به نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی که در خارج ارتکاب یافته است به نوعی مداخله در امور داخلی دولت میزبان و نقض حاکمیت آن محسوب می‌شود.

با وجود این، مفاهیم، حاکمیت و صلاحیت داخلی مطلق نمی‌باشند. هنجارهای حقوق بنیادین بین‌المللی بشر این مفاهیم را محدود می‌نمایند. برای نمونه، از نظر اجتماع بین‌المللی شکنجه، بردگی، کار اجباری، نسل زدایی، پاکسازی قومی، اعدام‌های فراقانونی و تبعیض نژادی و مذهبی از جمله موارد نقضی می‌باشند که نمی‌توان نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت بود (Cassese, 2005: 202-203). این حقوق بنیادین بشری بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی می‌باشند و تا حدود زیادی به قواعد آمره‌ای تبدیل شده‌اند که همه دولت‌ها به رعایت آن‌ها متعهد می‌باشند. در نتیجه، امروزه دولت‌ها دیگر نمی‌توانند مدعی باشند که نقض این حقوق بنیادین جزو قلمرو ذاتاً داخلی‌شان می‌باشد و مشمول کنترل توسط دیگر اعضای اجتماع بین‌المللی نمی‌باشند. بنابراین، اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بشر توسط دولت منشأ شرکت‌های فراملی نقض حاکمیت دولت میزبان نیست. در نتیجه، تحت این شرایط دولت منشأ و مبدا شرکت فراملی می‌تواند نسبت به شرکت فراملی که در خارج حقوق بشر را نقض می‌نماید، اعمال صلاحیت نماید. در عین حال، در حقوق بین‌الملل هیچ تعهدی برای دولت منشأ نسبت به اعمال

۱. مسئله تعیین تابعیت شخص حقوقی، مسئله‌ای بسیار پیچیده و بحث برانگیز است. نظریه اکثریت بر این است که شخص حقوقی تابعیت کشوری را دارد که در آن به ثبت رسیده است. برخی دیگر نیز بر این باورند که شرکت تابعیت کشوری را دارد که مرکز مهم فعالیت‌های اداری شرکت در آن قرار دارد. در عین حال نظر دیگر این است که شرکت تابعیت دولتی را دارد که از نظر اقتصادی بر آن شرکت کنترل دارد. این نظریه برای حمایت از حقوق بشر در مقابل نقض توسط شرکت‌های فراملی حائز اهمیت است. متأسفانه دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشن نظریه کنترل را رد کرد. بنگرید به:

Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, Judgment of 05/02/1970, ICJ-Reports 1970., at 39.

در خصوص تابعیت شرکت‌های فراملی به‌طور کلی بنگرید به: لاجوردی، عرفان، (۱۳۹۰)، حقوق شرکت‌های فراملی، تهران، نشر میزان.

صلاحیت فراسرزمینی بر شرکت‌های فراملی که در خارج حقوق بشر را نقض می‌نمایند، وجود ندارد (Joseph, 1999: 181). در صورت نبود چنین تعهدی، کشورهای منشأ اساساً تمایلی به رسیدگی به نقض حقوق بشر به صورت فراسرزمینی توسط شرکت‌های فراملی ندارند. نتیجه آن که، رسیدگی به نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی از سوی شرکت منشأ تنها در صورتی امکان‌پذیر است که حاکمیت دولت میزبان نقض نشود. البته در صورتی که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده بارسلونا تراکشن نظریه کنترل برای احراز قانون حاکم در مورد شرکت در خارج را رد نمی‌کرد و نظریه خرق حجاب شخصیت را اجازه می‌داد، امکان اعمال صلاحیت از سوی شرکت مادر نسبت به شرکت فرعی وجود داشت. یک مانع مرتبط با اعمال صلاحیت مؤثر کشور منشأ بر شرکت‌های فراملی در خارج، دکتین آمریکایی - انگلیسی *Forum non Conveniens* می‌باشد که بر اساس آن دادگاه‌ها از «صلاحیت عدم استماع پرونده برخوردارند هنگامی که دادگاه خارجی وجود دارد که برای رسیدگی به آن موضوع مناسب‌تر می‌باشد».

۴. مسئولیت دولت در قبال آثار فراسرزمینی فعالیت‌های شرکت

به موجب حقوق بین‌الملل هر دولت دارای یک تکلیف کلی به عدم انجام اقدام به شیوه‌ای است که در خارج از قلمرو خود باعث خسارت شود. این تکلیف شامل اقداماتی می‌شود که باعث آثار زیست محیطی فراسرزمینی است در جایی که دولت بایستی بر فعالیت‌هایی که منجر به این آثار شدند، کنترل می‌داشت. این دیدگاه نیز قابل پذیرش است که اگر دولت بداند اقدامات اتباعش سبب خسارت به دیگر دولت‌ها یا افراد می‌شود، در صورتی که دولت بتواند فعالیت‌های مزبور را کنترل نماید، این تکلیف عام بر عهده دولت است که باید از چنین اقداماتی جلوگیری نماید. این مسئولیت حقوقی بین‌الملل عام دولت‌ها با تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل بشر مرتبط است. حقوق بین‌الملل بشر دولت‌ها را ملزم می‌نماید تا اقداماتی را مثلاً با رویه‌های قانون‌گذاری یا اداری اتخاذ نمایند تا اقدامات عاملان غیردولتی را کنترل و قاعده‌مند نمایند و تحت تعقیب و محاکمه قرار دهند که حقوق انسانی افراد درون قلمرو آن دولت را نقض می‌نمایند. این اقدامات عاملان غیردولتی قابل انتساب به دولت نیست بلکه این مسئولیت بخشی از تعهد دولت به اعمال مراقبت و سعی مقتضی برای حمایت از حقوق انسانی همه اشخاص ساکن در قلمرو آن دولت می‌باشند. این تعهد به مراقبت و سعی مقتضی دارای یک

بعد فراسرزمینی می‌باشد. یک دولت ممکن است به خاطر نقض یک تعهد معاهده‌ای حقوق بین‌الملل بشر مسئول شناخته شود در جایی که اقدامات مقامات آن دولت اعم از این که در درون یا خارج از مرزهای ملی ارتکاب یابند،... آثاری خارج از قلمرو خود ایجاد نمایند و هم چنین به خاطر نتایج فراسرزمینی تصمیمات بین سرزمینی خود نیز مسئولیت دارد. موارد مشخص نقض این تعهد مثلاً در جایی است که دولتی شخصی را به صورت غیابی محاکمه می‌کند، به قضات خود اجازه می‌دهد تا بر محاکم دولت دیگر ریاست کنند و هم چنین به خاطر اقدامات در سرزمین‌های وابسته به خود نیز مسئولیت دارد. تعهد به اعمال تلاش و مراقبت مقتضی در خصوص فعالیت‌های فراسرزمینی اشخاص حقوقی ملی، بخش ضروری این تعهد دولت است زیرا بدون بخشی از قوانین فراسرزمینی اشخاص ملی چنین موجودیت‌هایی به آسانی با انتقال عملیات تجاری خود از چنگال قانون داخلی فرار می‌کنند.

به‌طور کلی، می‌توان گفت دولت‌ها آگاه هستند که اشخاص حقوقی می‌توانند معیارهای حقوق بشری را در عملیات‌های فراسرزمینی در دو وضعیت نقض نمایند و از این رو تعهد دولت به اعمال تلاش مقتضی در رابطه با این فعالیت‌ها را مطرح نمایند. وضعیت نخست در جایی است که اشخاص حقوقی در مناطق درگیری، دولت‌های شکست خورده یا رژیم‌های سرکوبگر سرمایه‌گذاری می‌کنند یا قصد سرمایه‌گذاری دارند و وارد یک رابطه تجاری با دولت میزبان یا یک عامل غیردولتی طرف یک مخاصمه داخلی می‌شوند. در این وضعیت‌ها، دولت میزبان ممکن است نتواند یا نخواهد از موارد نقض حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق بشردوستانه جلوگیری نماید یا آن‌ها را متوقف سازد یا ممکن است خود از جمله مرتکبان نقض باشند و از این رو شرکت‌های فراملی بسیار بعید است که در این موارد نقض دست داشته باشند. دولت‌های مقیم کاملاً از ریسک‌های سیاسی سرمایه‌گذاری در چنین مکان‌هایی آگاه هستند و معمولاً چنین اطلاعاتی را به شرکت‌های متبوع خود ارائه می‌نمایند. در حقیقت، مواردی وجود دارد که یک دولت اقداماتی را اتخاذ کرده است تا از سرمایه‌گذاری فراسرزمینی جلوگیری نماید یا به واسطه نگرانی‌های شدید حقوق بشری در این نوع وضعیت‌ها شرکت‌ها را ملزم به عدم سرمایه‌گذاری کرده است.

وضعیت دوم در جایی است که دولت‌ها فرض می‌شود می‌دانند شرایطی وجود دارد که دولت مقیم ارتکاب خسارت فراسرزمینی به وسیله شرکت را تسهیل کرده است (مثلاً به شکل کمک و مساعدت). برای نمونه در جایی که دولت مقیم شرکت فراملی در مورد یک معاهده

سرمایه گذاری دو جانبه با یک دولت غیر صنعتی مذاکره می کند. این موافقت نامه ها معمولاً مبتنی بر توافقات نمونه دولت های صنعتی و قدرتمند اقتصادی می باشند و حمایت های قوی را برای سرمایه گذاران خود پیش بینی می نمایند.

۵. نتیجه

همان گونه که بیان گردید، مسئولیت اولیه برای حمایت از حقوق بشر در مقابل شرکت های فراملی همچنان بر عهده دولت میزبان می باشد چرا که در قلمرو این دولت است که نقض حقوق بشر اتفاق می افتد. متأسفانه، قدرت شرکت های فراملی و منافع اقتصادی کشورهای در حال توسعه حمایت مؤثر از حقوق بشر را دشوار و تا حدودی غیرممکن می سازد.

صلاحیت دولتی که شرکت مادر در آن واقع شده، می تواند تا حدودی جایگزینی برای حمایت از حقوق بشر باشد در صورتی که دولت میزبان نتواند صلاحیت خود را اعمال نماید. با وجود این، به واسطه «حجاب شخصیت حقوقی»، حاکمیت دولت و موانع شکلی بسیاری می تواند مانع اجرای صلاحیت دولت میزبان شود. به علاوه، حتی این گستره محدود صلاحیت دولت محل ثبت به وسیله مقاومت سیاسی و اقتصادی تهدید می شود.

واضح است که به موجب حقوق بین الملل بشر تعهدات دولت ها محدود به سرزمین نیستند. رویه ارکان نظارتی حقوق بین الملل بشر نشان می دهد که دولت ها دارای تعهدات حقوق بشری فراسرزمینی هستند جایی که قدرت، اقتدار یا کنترل مؤثر خود را بر افراد اعمال می کنند یا جایی که کنترل مؤثر را بر منطقه ای از سرزمین واقع شده در درون دولت دیگر اعمال می کنند. اقدامات کنشگران غیردولتی، از جمله شرکت ها، می تواند به دولت قابل انتساب باشد و موجب مسئولیت دولت به موجب حقوق بین الملل عام شود، در صورتی که یک تعهد بین المللی نقض می شود. اقدامات شرکت ها و شعب فرعی آن ها که به صورت فراسرزمینی عمل می کنند می تواند به دولت محل ثبت شرکت قابل انتساب باشد در جایی که شرکت عناصر اقتدار حکومتی را اعمال می کند یا در جایی که شرکت تحت دستورات، هدایت یا کنترل یک دولت عمل می کند. هم چنین دولت محل ثبت شرکت در صورتی مسئولیت دارد که عالمآبه عمل متخلفانه بین المللی مربوط به فعالیت های شرکت دولت محل ثبت شرکت (یا شعب فرعی خارجی آن) کمک یا مساعدت می کند یا اقدامات فراسرزمینی شرکت فراملی یا شعب خارجی آن جنایت بین المللی محسوب می شوند. قصور دولت محل ثبت شرکت در اعمال تلاش

مقتضی، از جمله با وضع قانون و نظارت بر فعالیت شرکت‌های متبوع خود در مناطق درگیری و در دولت‌های میزبان که دولت محل ثبت شرکت با آن‌ها معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری تصویب کرده است، نیز می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی شود در مواردی که شرکت فراملی حقوق بشر را نقض نماید یا در نقض این حقوق همدستی نماید.

یافته‌های این تحقیق هم برای دولت‌های اقامتگاه شرکت‌های فراملی که معمولاً دولت‌های صنعتی هستند حائز اهمیت است و هم برای خود شرکت‌های فراملی. دولت‌های اقامتگاه دارای تکلیف به تنظیم فعالیت‌های فراسرزمینی شرکت‌های خود در برخی شرایط هستند. از جمله این شرایط جایی است که شرکت عناصر اقتدار حاکمیتی را اعمال می‌نماید، مثلاً شرکت‌های خصوصی شده که فعالیت دولتی انجام می‌دهند و شرکت‌هایی که تحت دستورات، هدایت و کنترل دولت فعالیت می‌کنند، از جمله شرکت‌هایی که برای عملیات‌های نظامی فراسرزمینی مساعدت و حمایت لازم را تأمین می‌نمایند. به علاوه دولت‌ها خدمات متعددی را به شرکت‌ها در رابطه با سرمایه‌گذاری خارجی ارائه می‌نمایند. دولت‌های اقامتگاه باید به‌طور کافی چنین سرمایه‌گذاری را نظارت، کنترل و قاعده‌مند سازند تا تضمین نمایند که در اعمال متخلفانه بین‌المللی ارتكابی توسط دولت‌های میزبان در رابطه با سرمایه‌گذاری به وسیله یک شعبه خارجی شرکت دولت محل ثبت شرکت یا در جنایات بین‌المللی که شرکت‌ها یا مرتکب می‌شوند یا معاونت می‌نمایند، همدست نباشند.

در نهایت، در جایی که دولت محل ثبت شرکت تلاش مقتضی را از طریق وضع قانون، کنترل یا به نحو دیگری برای کاهش تبعات حقوق بشری ناشی از فعالیت‌های یک شعبه فرعی خارجی شرکتی در یک منطقه جنگی، دولت ناموفق یا رژیم سرکوبگر عمل نمی‌آورد، می‌توان گفت که تعهد بین‌المللی خود را به موجب حقوق بین‌الملل مبنی بر این که در دولت‌های دیگر خسارت وارد نکند، نقض کرده است. بنابراین، این دولت دارای مسئولیت بین‌المللی است در جایی که شرکت‌ها حقوق بین‌الملل بشر را نقض نمایند یا در نقض این حقوق همدستی نمایند. بنابراین دولت‌ها باید یک چارچوب قانونی برای نظارت و گزارشگری در مورد فعالیت شرکت‌ها در چنین مناطقی ایجاد نمایند. به علاوه دولت‌ها باید موافقت‌نامه‌های دوجانبه سرمایه‌گذاری خود را بازنگری نمایند تا تضمین نمایند که مفاد این معاهدات مانع از رعایت تعهدات حقوق بین‌الملل بشر توسط دولت میزبان نمی‌شود یا موجب نقض تعهدات حقوق بشری خود دولت محل ثبت شرکت به صورت بالقوه نمی‌شود. عدم اتخاذ چنین اقداماتی در همه موارد می‌تواند به این نتیجه منجر شود که دولت محل

ثبت شرکت تعهدات حقوق بشری خود را نقض کرده است و در نتیجه دارای مسئولیت بین‌المللی و هم‌چنین تعهد به جبران خسارت می‌باشد.

منابع

الف) فارسی

کتاب‌ها

- سوئزی، پل، (و دیگران)، (۱۳۵۸)، شرکت‌های چند ملیتی، سهراب بهداد، تهران، دانشگاه صنعتی شریف.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۴)، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ ۲۲، تهران، انتشارات گنج دانش.
- فورد شارل، هانری، (۱۳۶۰)، فرهنگ شرکت‌های چند ملیتی، ترجمه مهشید ملکی معیری، تهران، تندر.
- لاجوردی، عرفان، (۱۳۹۰)، حقوق شرکت‌های فراملی، تهران، نشر میزان.

مقالات

- سیسیلیانوس، لیون الکساندر، (۱۳۸۶)، «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی»، ترجمه علی هنجنی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶.
- محبی، محسن، ضیائی، یاسر (۱۳۹۲)، «صلاحیت فراسرزمینی در حقوق بین‌الملل در پرتو خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و نهم، شماره ۴۷.
- ندرت، کارستن، (۱۳۹۱)، «شرکت‌های فراملی به عنوان تابعان راهبر در حقوق بین‌الملل اقتصادی دو نگرش رقیب در آینده»، ترجمه محمد شمسایی، ویژه‌نامه مجله حقوقی بین‌المللی، زمستان ۹۱.
- هرمیداس باوند، داود، (۱۳۸۱)، «حقوق بشر و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی بررسی مسائل حقوق بین‌الملل بشر، دانشگاه علامه طباطبائی.

ب) انگلیسی

Books

- Alston, P. (ed), (2005), *Non-State Actors and Human Rights*, Oxford: OUP.
- Cassel, D., *Extraterritorial Application of Inter-American Human Rights Instruments?* in F. Coomans and M. Kamminga (eds), (2004), *Extraterritorial Application of Human Rights Treaties*, Antwerp, Intersentia.

- Clapham, A., (2006), *Human Rights Obligations of Non-State Actors*, Oxford: OUP.
- Jaegers, N., (2002), *Corporate Human Rights Obligations: In Search of Accountability*, Antwerp: Intersentia.
- Larison. Thomas D; Skidmore Dvid, Fortworth, (1993), *International political Economy*, Harcourt Brace.
- Mann, F. A., (1985), *The Doctrine of International Jurisdiction Revisited After Twenty Years*, in *Collected Courses of the Hague Academy of International Law*, Dordrecht: Martinus Nijhof.
- Rees, S. and S. Wright (eds), (2000), *Human Rights, Corporate Responsibility: A Dialogue*, Sidney: Pluto Press.
- Reinisch, A., (2005), *The Changing International Legal Framework for Dealing with Non-State Actors*, in Alston (ed) Alston, P. (ed), *Non-State Actors and Human Rights*, Oxford: OUP.
- Sornarajah, M., (2001), *Linking State Responsibility for Certain Harms Caused by Corporate Nationals Abroad to Civil Recourse in the Legal Systems of Home States*, in C. Scott (ed), *Torture as Tort*, Oxford: Hart.
- Ssenyonjo, M., (2007), *Non-State Actors and Economic, Social and Cultural Rights*, in M. Baderin And R. McCorquodale (eds), *Economic, Social and Cultural Rights in Action*, Oxford: OUP.

Articles

- Blumberg, P., (2002), "Asserting Human Rights against Multinational Corporations under United States Law: Conceptual and Procedural Problems", 50 *American Journal of Comparative Law*, -Supplement).
- Cerone, John, (2006) "Out of Bounds? Considering the Reach of International Human Rights Law", Center for Human Rights and Global Justice Working Paper Number 5, New York School of Law, at [http:// www. chrgj. org/publications/docs/wp/WPS_NYU_CHRGJ_Cerone_Final.pdf](http://www.chrgj.org/publications/docs/wp/WPS_NYU_CHRGJ_Cerone_Final.pdf)
- Fowler, R.J., (1995), "International Environmental Standards for Transnational Corporations", 25 *Environmental Law*.
- Joseph, S., (1999), "Taming the Leviathans: Multinational Enterprises and Human Rights", 46 *Netherlands International Law Review*.
- Lawson, R., (1998), "Out of Control. State Responsibility and Human Rights: Will the ILC's Definition of the 'Act of State' Meet the Challenges of the 21st Century?" in M. Castermans, F. van Hoof and J. Smith (eds), *The Role of the Nation-State in the 21st Century*.
- McCorquodale, R. and R. La Forgia, (2001), "Taking on the Blindfolds: Torture by Non-State Actors", 1 *Human Rights Law Review*.
- McCorquodale, R. with R. Fairbrother, (2002), "Human Rights and Global Business", in S. Bottomley and D. Kinley (eds), *Commercial Law and Human Rights*, Aldershot: Ashgate.
- Muchlinski , P.T., (2001), "Human Rights and Multinationals: Is There A Problem?", 77 *International Affairs*.
- Simma, B. and D. Pulkowski, (2006), "of Planets and the Universe: Self-contained Regimes in International Law", 17 *EJIL*.

- Weschka, Marion, (2005), "Human Rights and Multinational Enterprises: How Can Multinational Enterprises Be Held Responsible for Human Rights Violations Committed Abroad?".
- Wilde, R., (2005), "Legal Black Hole?": Extraterritorial State Action and International Treaty Law on Civil and Political Rights, Michigan Journal of International Law, 26 (3).

Cases

- (2005), Armed Activities on the Territory of the Congo, Democratic Republic of the Congo v. Uganda, Judgment, I.C.J. Reports.
- (1970), Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, Judgment, I.C.J. Reports.
- Caire Claim (France Mexico) (1929) 5 RIAA.
- Cassese, A., (2005), International Law, 2nd Ed.
- Drozd and Janousek v France and Spain (App no 12747/8) (1992)14 EHRR 745.
- ECJ, Case C-281/02, *Owusu v. Jackson*, Trading as "Villa Holidays Bal-Inn Villas" and Others, Judgment of 01/03/2005.
- Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I. C. J. Reports 2004.
- Lopez Burgos v Uruguay (Communication No. 52/79), views 29 July 1981.
- Montero v Uruguay, HRC (Communication 106/81), HRC views 31 July 1983.
- Niaragua v. United States of America, ICJ Reports, 1984- 1991.
- Saldan̄o V. Argentina (Report no 38/99) Inter-American Commission on Human Rights (11March 1999).

Documents

- Concluding Observations of HRC on Belgium (1998) UN Doc CCPR/C/79/Add.97.
- Concluding Observations of HRC on Israel (1999) UN Doc CCPR/C/79/Add.93.
- Concluding observations of the Human Rights Committee on Israel (2003) UN Doc CCPR/CO/78/ISR.
- HRC, General Comment No 31(80) Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant, UN Doc CCPR/C/21/Rev.1/Add.13, 26May 2004.
- HRC, General Comment No. 31(80) Nature of the General Legal Obligation Imposed on States Parties to the Covenant.
- Immunity of Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, ICJ Reports 1999.
- International Law Commission, Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Report of the International Law

- Commission on the Work of its 53rd session, A/56/10, August 2001, UN GAOR. 56th.
- Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, (2003) UN Doc E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2 and Commentary on the Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, (2003) UNDoc E/CN.4/Sub.2/2003/38/Rev.2.
 - OECD, 'The OECD Guidelines for Multinational Enterprises', OECD Declaration and Decisions on International Investment and Multinational Enterprises: Basic Texts (DAFFE/IME, 2000).
 - The Committee on Economic Social and Cultural Rights (CESCR) General Comment No 8, The Relationship between Economic Sanctions and Respect for Economic, Social and Cultural Rights, UN Doc E/C.12/1997/8, 12 December 1997.
 - The Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs, Human Rights and Democracy: The 2011 Foreign & Commonwealth Office Report, Presented to Parliament by the Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs by Command of Her Majesty, Section 4. Available at: https://www.gov.uk/government/uploads/system/uploads/attachment_data/file/32906/Cm-8339.pdf.
 - UNCTAD World Investment Report 2005: Transnational Corporations and the Internationalization of R&D (New York and Geneva: United Nations, 2006).